

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یادداشت:

مطلبی را که در ذیل خدمت تان تقدیم می گردد، و در آن داهیانه پیشبینی شده است که احمد ولی کرزی به جرم عبور از خط قرمز در افشاءگری ها به قتل خواهد رسید، حدود ۲۰ ماه قبل از امروز توسط همکار گرامی ما آقای "موسوی" نوشته و در همان زمان تقدیم خوانندگان گردیده بود. امیدواریم تحقق پیشبینی هائی از این سنخ به وسیله متصدیان و همکاران پورتال، انهایی را که در خواب غفلت غوطه ورائند از آن خواب مرگ بیدار نموده به سمت مردم خویش برگردانند.

اداره پورتال AA-AA

۱۳ جولای ۲۰۱۱

موسوی

۰۳.۱۱.۰۹

## ماfiای قدرت بین المللی

و

## مضحکه انتخابات افغانستان

در جریان دو هفته اخیر، دو خبر از افغانستان چنان غیر مترقبه بود که به علاوه برخی از مردم افغانستان، دست اندرکاران امور سیاسی افغانستان را نیز در ظاهر متعجب ساخت. این دو خبر که حتا برای برخی از شبه روشنفکران نیز کمتر از شوک نبود، نخست به دور دوم رفتن انتخابات به اصطلاح ریاست جمهوری در افغانستان، بود و خبر دوم بعد از کناره گیری عاجل داکتر عبدالله، انتصاب کرزی به مقام ریاست جمهوری افغانستان از جانب "کمسیون انتخابات" بود.

هرچند هر دو تصمیم از طرف به اصطلاح مطبوعات جامعه افغانی در خارج و داخل کشور در حد توانایی آنها مورد تبصره قرار گرفته و تلاش هایی را باعث گردید تا دنبال قانونیت و مشروعیت آن دو واقعه که خبر ها از آن مایه گرفته بودند، قلم فرسایی نمایند؛ مگر با تأسف در کمتر نشریه ای علت یابی چنین تصامیمی مورد بحث قرار گرفت. تا خواننده قبل از آنکه مبهوت این شعبده بازی های سیاسی گردد، با اشراف بر دلایل آن بار دیگر انزجار به حق خویش را علیه اشغالگران و سیاست های آنها ابراز دارد. در این مختصر کوشش به عمل می آید تا نکات چندی در زمینه نقطه گذاری گردد، باشد کسان دیگری آنرا تکمیل نمایند.

با در نظر داشت آنکه افغانستان کشوریست اشغال شده و محروم از استقلال سیاسی که تمام تصمیم در رابطه با آن در مراکز می اتخاذ می گردد که آن مراکز مسوولیت اشغال و کنترل افغانستان را به عهده دارند، همانطوریکه قبلاً این قلم بار ها بیان داشته و پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" نیز ضمن صدور اعلامیه شماره ۳۷ خود با صراحت در آن مورد موضعگیری خویش را ابراز داشت، در کشوری اشغال شده که تمام مقدرات آن را استعمار تعیین می نماید، عنوان کردن مطالبی از قبیل انتخابات و احترام به آراء مردم، تلاش نیست به خاطر فریب مردم و پوشاندن چهره کریمه استعمار در پناه آن .

در چنین کشوری رفتن پای هر نوع انتخاباتی، به صورت مستقیم به معنای شناسایی رژیم دست نشانده و وارداتی بوده، موید چنین عملی چه خواهد و چه هم نخواهد در قطار تأیید کنندگان تجاوز و اشغال قرار می گیرد، که با هیچ قدرتی نمی توان همچو افراد را از صف خاینان به ملت مجزا نمود. چون نفس شرکت در انتخابات استعماری، به معنای تأیید تجاوز و در نتیجه خیانت به امر استقلال و حاکمیت ملی کشور می باشد.

نوشتمیم که افغانستان کشوریست اشغال شده و فاقد استقلال سیاسی و حاکمیت ملی که بر مقدرات آن در خارج از افغانستان به وسیله اشغالگران تصمیم اتخاذ می گردد. حال بینیم این اصل چه تأثیری بر روند کلی انتخابات پوشالی به ویژه دو هفته اخیر داشته است.

به خاطر آنکه خواننده بهتر و زود تر به یک نتیجه گیری دست یافته بتواند، نخست از بعضی مسلمات بحث خویش را آغاز می نمایم:

۱- امپریالیزم جنایت گستر امریکا با آنکه در ظاهر به وسیله رؤسای جمهور منتخب مردم اداره میگردد، مگر در اصل اداره کنندگان واقعی آن کشور کارتل ها ، تراست های و انحصارات غول آسای امپریالیستی اند که به علاوه اداره خود آن کشور در اداره تمام دنیای سرمایه نیز سهم خاص و تعیین کننده خویش را دارند.

۲- "بوش" و تمام اداره متعلق به وی چیزی نبودند به غیر از یک عده خدمتگاران همان صاحبان اصلی ثروت و قدرت که می بایست با تمام قوا اهداف آنها را برآورده می ساختند.

۳- حامد کرزی، هر چند در ظاهر امر خدمتگاریست که از طرف بوش و اداره اش به این شغل گمارده شده است مگر در واقع بادر اصلی و کسانیکه مفید بودن اعمال وی را ارزشیابی می نمایند، همان هایی اند که کردار خود بوش و اداره اش را زیر کنترل داشته دارند.

۴- "اوباما" و تمام حزب دموکرات، با تمام اختلافاتی که با حزب جمهوری خواه و شخص بوش ممکن است داشته باشند، خود باز هم خدمتگاری اند در اختیار همان صاحبان اصلی ثروت و قدرت. یعنی در بروز و پی گیری اختلافات و مبارزه با هم تا وقتی اجازه دارند که منافع صاحبان اصلی را به خطر مواجه نساخته باشند در غیر آن به مانند یک مگس مزاحم بدون کمترین سروصدایی زیر پا "له" خواهند شد. برادران کنیدی را می توان بهترین و شاخص ترین نمونه چنین سیاستی معرفی نمود.

با حرکت از این مسلمات که فکر نمی کنم هیچ فرد مطلعی با آن مخالفت نماید، بر می گردیم به مضحکه انتخابات اداره مستعمراتی کرزی و شعبده بازی های تهوع آور مجریان آن.

"اوباما" که به جرأت می توان وی را یکی از فریبکارترین رؤسای جمهور امریکا دانست، همانطوریکه قبل از به قدرت رسیدن در کشور خودش در نقشی که برایش از جانب صاحبان اصلی قایل شده و به وسیله کمک های چند صد میلیون دلاری وی را بر مرکب مراد سوار نمودند، وعده به تغییر داده بود در رابطه با مناسبات بین المللی و سیاست خارجی کشورش نیز حرفهایی از جانب خودش ویا معاونش زده شده بود، که از آن بوی تغییر به استشمام می رسید. به خصوص وقتی برخورد معاونش را با "کرزی" قبل از انتخابات به یاد می آوریم و غرابه های خودش را در مورد "دوستم" و "فهمیم" مشاهده می نماییم دیده می شود که نامبرده و اداره اش می خواستند در رابطه با قضیه افغانستان با پائین کشیدن "کرزی" از سریر قدرت، و به قدرت رسانیدن یک تیم کاری مطابق میل و سلیقه خودش به اصطلاح اعتبار امپریالیستی خویش را حفظ نمایند.

همین هم بود که خلاف تمام عرف دیپلماتیک و ظاهر سازی هاییکه از طرف اداره "بوش" برای شخصیت نشان دادن "کرزی" در اذهان جهان صورت گرفته بود و حتا به یمن "جیلک" سبزش او را خوش لباس ترین مرد سال نیز اعلام داشتند، تا بینی خمیری گردد برای پذیرش وی از طرف اذهان جهانی، "اوباما" و اداره اش با بوق و سرنا شخص "کرزی" و اداره اش را فاسد و رشوت خوار معرفی نموده، تمام عیوبی را که از وی و اداره اش می دانستند، به خورد مطبوعات دادند تا مگر از آن طریق بتوانند بر روند انتخابات فرمایشی شان تاثیری وارد نموده، کس دیگری را به قدرت برسانند که هر زمان به "میخ بالا" نظر نداشته باشد.

بر همین مبنا بود که دو ماه اعلام نتایج انتخابات به تعویق افتاد، از "اوباما" اصرار و از "کرزی" انکار. تعلقات فراتر از کاخ سفید، کرزی را چنان جری ساخته بود که دیگر نه به نماینده دولت امریکا در نمایندگی ملل متحد احترام قایل بود و نه هم به نماینده خاص "اوباما" یعنی "هولبروک".

در چنین فضایی بود که "سناتور کری" رئیس روابط خارجی سنای امریکا و یکی از چهره های قابل احترام در داخل دموکراتها به افغانستان آمده، به اصطلاح از دو گوش "کرزی" گرفته او را وادار نمود تا به دور دوم رفتن انتخابات را پذیرفته با گلوی پر عقده و چشمان مرطوب آنرا اعلام دارد. این همان خبر نخست بود و فقط تعجب آنهایی را بر انگیخت که از بطن پدیده ها هیچ اطلاعی نداشتند.

"عبدالله" وبقیه باند "ربانی" که در این جنگ خود را پیروز به شمار می آوردند، از این عقب نشینی جرأت بیشتر یافته، خواستند ماهی را قبل از آنکه از آب بیرون کشند در تابه سرخ نمایند، در نتیجه خواستهای جدیدی را مطرح نمودند.

در بطن چنین اوضاعی، "ولی کرزی" برادر سردسته غلامان پا پیش نموده از موضع برادر به اصطلاح یک رئیس جمهور بر حال به صورت علنی و آشکار ابراز داشت که در خدمت "سی.آی.ای" قرار داشته و در بدل کار هاییکه انجام داده از جانب آنها پول دریافت نموده است، و حاضر است این توانایی خویش را به هرکسی که خواسته باشد به فروش برساند. این عمل هر چند از طرف جنرال "ستانلی مک کریستال" با یک تهدید که وی را به "آلکاپون" معروف تشبیه و آرامش "شیکاگو" را با موجودیت نامبرده غیر ممکن دانست، پاسخ داده شد؛ مگر با آنهم از حدت قضیه نکاسته، به همه نشان داد که خاندان "کرزی" حاضر اند به خاطر حفظ قدرت از تمام چراغ قرمزها عبور نمایند.

به تعبیر دیگر "ولی کرزی" و باندش به صورت مستقیم اعلام داشتند که در قاچاق مواد مخدر با این ظرفیت به صورت مستقیم دست "سی.آی.ای" و "ام.آی.۶" انگلیس نیز دخیل بوده و آنها حاضر اند در صورتیکه منافع شان به خطر مواجه شود تمام راز های مگو را افشاء نمایند.

دخیل ساختن سرمایه مواد مخدر در قضیه که از نخستین روز اشغال افغانستان دوشادوش سرمایه نظامی در قضایا دست دراز داشته است و در شرایط فعلی همراه با دوبخش دیگر به اصطلاح جناح سرمایه تفریحی "سکس و قمار" و پیوند های چند لایه آنها با "سی.آی.ای"، صاحبان اصلی قدرت را متوجه باریکی قضیه ساخته، برای جلوگیری از افتضاح هایی که نمی خواهند دامنگیر شان گردد، با یک اشاره از "باکی مون" یک تن از کارگزاران دیرینه خود خواستند تا قضیه را به نفع "کرزی" ختم نموده، بیشتر از آن به هیچ کسی اجازه میدان داری ندهد. همین بود که همه در رسانه ها خواندیم:

"باکی مون" به کابل آمد، با هر دو کاندید دیدن کرد، عبدالله عبدالله دست از رقابت کشید، و کمیسیون انتخابات حتماً خلاف همان به اصطلاح قانون اساسی که خود از آن قانونیت می گیرد، "کرزی" را برنده اعلام داشت. این مضحکه انتخاباتی بیشتر از همه چیز نکات آبی را آشکار نمود:

۱- در یک کشور اشغال شده مانند افغانستان، مرکز قدرت در داخل آن کشور نبوده بلکه در خارج از آن و در کشور های اشغال کننده انتقال می یابد.

۲- خیمه شب بازی های انتخاباتی در کشور های اشغال شده مانند افغانستان، هیچ نوع اعتبار اجرایی و مشروعیت قانونی نداشته، همه سرخایی اند که در خدمت نظام مستعمراتی قرار دارند.

۳- گردانندگان اصلی صحنه و آنهایی که سهم هریک را تقسیم می نمایند، نهاد هایی اند که بر کاخ سفید هم حکم می رانند.

۴- اگر به دور دوم فرستادن انتخابات بی اعتباری "ملل متحد" را به ارمان آورد، پرده دوم نمایش وابستگی غلیظ و برده آسای "اوباما" را به مراکز اصلی قدرت به اثبات رسانید.

اکنون این "اوباما" و سایر به اصطلاح منقدان "کرزی" در عرصه جهان است که باید "کلچه" کرزی را با تمام نجاستی که بر روی آن مالیده اند، خود نوش جان نمایند. **اشتهای خوب**

۵- "ولی کرزی" که اکنون می توان وی را بر اساس مصاحبه اش برنده مضحکه انتخابات اعلام داشت، باید بفهمد که حکم مرگ خود را به دست خویش اعلام داشته است. در بهترین صورت شاید بتواند الی ختم دوره کار برادرش اجازه حیات داشته باشد. با اطمینان که "سی.آی.ای" انتقام این زبان درازی را از وی خواهد گرفت.

و اما اینکه بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد و آیا "کرزی" تعهدی را که به خاطر حفظ ظاهر قضیه به "اوباما" سپرده عملی خواهد کرد و یا خیر، نمی تواند پاسخ بدان درد سر زیاد بار آورد. چه با موجودیت افرادی از قماش "ولی کرزی، فهیم، خلیلی، شیرآقا، محقق" و امثال آنها در صدر قدرت حاکمه در افغانستان، و با تکیه بر حامیان بین المللی اش که حتماً بر کاخ سفید نیز دهن کجی می نمایند، به یقین فساد را بیشتر از پیش سیستمیزه می نماید. او نمی تواند غیر از آن انجام دهد، چه از جانبی نیروهای اجرایی اطرافش و مهمتر از آن ماهیت ادارات مستعمراتی که تا مغز استخوان باید فاسد باشند، اجباریست که هیچ گونه چانس انتخاب برایش نمی گذارد.

یک نکته را نباید فراموش نمود، که هر چند در مقطع کنونی سیاست های کادری "اوباما" در قبال افغانستان قسماً به شکست مواجه شده و چه بسا اولین قربانی آن "هولبروک" باشد، مگر نباید فکر نمود که اندیشه های "یوگوسلاوی" ساختن افغانستان به صورت کامل از دماغ آنها بیرون شده است و دیگر خطر تجزیه کشور را تهدید نمی کند.